



گشتی در نمایشگاه دستاوردهای اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)

تاروپود زندگی

یوسف حیدری گزارش‌نویس

نوشته گوشه پایین گلیم را نشانم می‌دهد (زندگی در سایه بلوط) می‌گوید: «طراحی روی این گلیم کار خودم است. باور می‌کنی در روزهای اوج کرونا ۳۰۰ گلیم از همین طرح را که توسط زنان مددجو کمیته امداد بافته شده بود، فروختم؟» حالا در کارگاه او صدها زن، گلیم‌بافی، قالی‌بافی و بافت تابلو فرش را می‌آموزند و با وام‌هایی که از کمیته امداد می‌گیرند، مشغول کار می‌شوند.

نمایشگاه دستاوردهای اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) فرصتی بود تا مددجویان کمیته امداد دستاوردهای شان را به نمایش بگذارند. کسانی که با گرفتن وام برای خودشان اشتغال‌زایی کرده‌اند و امروز راهور کسانی هستند که می‌خواهند روی پای خودشان بایستند.

توران غیائی تخته‌های قالی و گلیم را

با نظم خاصی اطراف میز می‌چیند و با حوصله سوالات بازدیدکننده‌ها را جواب می‌دهد. وقتی وارد سالن می‌شوی با دیدن رنگ‌های چشم‌نواز و طرح‌های زیبای روی قالی و گلیم، ناخودآگاه مقابل این غرفه توقف می‌کنی. اینجا دنیای رنگ و نخ با داستان زنان هنرمند به هم گره می‌خورد و آثار زیبایی را مقابل چشمان مردم قرار می‌دهد. غیائی از روزهایی می‌گوید که برای آموختن قالی‌بافی و برپا کردن دار قالی تنها انگویش را فروخت و با اولین وامی که از کمیته امداد گرفت کارگاه پنجه طلا را به خانه‌های مردم روستای ایلام برد.

«امروز ۸۰ بافنده با آموزش‌هایی که دیده‌اند و امکاناتی که در اختیارشان قرار گرفته مشغول گلیم‌بافی و قالی‌بافی هستند و من به عنوان راهور شغلی کنارشان هستم. همه چیز از ۱۵ سال قبل شروع شد. پدرم کشاورز بود و تحت

پوشش کمیته امداد. در روستای شهرک شهید رجایی ایلام زندگی می‌کردیم. پدرم مستمری ۶۰ سالگی می‌گرفت که معروف بود به شخصتی. من ۲۳ سالم بود که تصمیم گرفتم روی پای خودم بایستم. می‌خواستم بافت گلیم نقش برجسته را یاد بگیرم. از کودکی علاقه زیادی به نقاشی و طراحی داشتم. نمی‌توانستم بیکار باشم. به یکی از کارگاه‌های صنایع دستی می‌رفتم و از نزدیک قالی‌بافی را تماشا می‌کردم. به صاحب کارگاه گفتم می‌خواهم یاد بگیرم و کار کنم. روزهای اول قبول نمی‌کرد و می‌گفت به کسانی که بلد باشند، کار می‌دهیم. گفتم هزینه‌اش هرچقدر باشد پرداخت می‌کنم و حاضرم تنها انگویی را که دارم بفروشم تا اینکه بالاخره به عنوان کارآموز به کارگاه رفتم و خیلی زود همه چیز را یاد گرفتم. یک بار بستن دار قالی را دیدم و به صاحب کارگاه گفتم می‌خواهم دار قالی بریا کنم. اگر دار قالی خراب می‌شد باید ۲۰۰ هزار تومان جریمه می‌دادم و اگر هم درست نصب می‌شد صاحب کارگاه ۵۰ هزار تومان می‌داد. وقتی دار قالی را برپا کردم صاحب کارگاه با تعجب نگاه کرد. باور نمی‌کرد با یک بار دیدن بتوانم دار بریا کنم.

آن سال‌ها یک تخته گلیم را ۲۵۰ هزار تومان می‌خریدند در حالی که ۵۰ هزار تومان هزینه نخ و ۲۰ هزار تومان هم دستمزد کارگر بود. بقیه آن هم سود می‌رفت. همان جا تصمیم گرفتم خودم کارگاه راه بیندازم. صاحب کارگاهی که آنجا کار می‌کردم تشویقم کرد و گفت با این همه استعدادی که داری می‌توانی موفق شوی و حیف است که عمرت در کارگاه من تلف شود. به این ترتیب یک قدم به آرزوهایم نزدیک‌تر شدم. با فروختن انگو و کمک خانواده پنج دار قالی و مواد اولیه خریدم و به روستا برگشتم.

بازگشت به روستا و مهاجرت معکوس هدفی بود که توران آن را دنبال می‌کرد. زن و دختران روستایی در کنار کارهای خانه می‌توانستند با فراگرفتن قالی‌بافی و وام خوداشتغالی کمک بزرگی به تأمین هزینه‌های زندگی کنند. اولین کارگاه در یک خانه روستایی اجاره‌ای برپا شد و جلسه

شبیانه زنان و دختران روستا در مسجد باعث شد تا با هر گره فرش گرهی از زندگی اهالی روستا باز شود.

«وقتی موضوع گلیم نقش برجسته و قالی‌بافی را مطرح کردم همه می‌گفتند ما چیزی بلد نیستیم. به آنها اطمینان دادم همه چیز را یاد می‌گیرند و مشغول کار می‌شوند. با ۱۷ بافنده کارگاه را راه انداختم. به کمیته امداد امام خمینی (ره) رفتم و درخواست وام دادم. مسئولان کمیته امداد وقتی از کارگاه بازدید کردند، با موافقت کردند. اولین وامی که گرفتم ۶ میلیون تومان بود. ۱۰ دار قالی خریدم و به روستاهای اطراف رفتم. به این ترتیب ۲۵ روستای ایلام وارد هنر قالی‌بافی شدند. کمیته امداد هم اعلام کرد هر کسی قالی‌بافی یاد بگیرد تسهیلات در اختیارش می‌گذارد. در هر روستا ۳۰ نفر را آموزش می‌دادم که ۱۵ نفرشان برای گرفتن وام به کمیته امداد معرفی می‌شدند و مواد اولیه و تجهیزات را در اختیارشان قرار می‌گرفت. این روزها وقتی به قالی و گلیم نقش برجسته و فرش تابلوهایی که هنر دست زنان روستایی است نگاه می‌کنم احساس می‌کنم دین خودم را به زادگاهم ادا کرده‌ام.»

در غرفه‌های دیگر از نمایشگاه، آمه درخشان با دقت هنر سوزن‌دوزی زنان گلستانی را برای بازدیدکننده‌ها توضیح می‌دهد. می‌گوید حق زنان روستایی این نیست که در مزرعه و باغ مردم کارگری کنند: «آنها هنرمندانی هستند که با همین هنر سوزن‌دوزی می‌توانند محصولاتشان را در کشورهای مختلف دنیا به فروش برسانند. سوزن‌دوزی هنر خانوادگی زنان بلوچ است و من این هنر را به استان گلستان بردم.» او سال هاست مسئولیت آموزش هنر سوزن‌دوزی و راهور شغلی زنان گلستانی را برعهده دارد: «متولد ۶۶ خاش هستم. چند ماه بعد از اینکه به دنیا آمدم پدرم در جنگ به شهادت رسید. ۷ سال بعد هم قاجاقچیان به خانه ما حمله کردند و مادرم کشته شد. برادرم رئیس پاسگاه یکی از روستاهای اطراف خاش بود و قاجاقچی‌ها به خانه ما حمله کردند. زیر گهواره برادرم مخفی شده بودم. بعد از مرگ مادر با کمک

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

یک جدول با دو شرح
جدول عادی
جدول ویژه
جواب‌های

جدول عادی
جدول ویژه
جواب‌های

جدول ویژه
جدول عادی
جواب‌های

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

جدول سودوکو
آسان
متوسط
سخت

جدول سودوکو شماره ۴۰۳۲
جدول سودوکو شماره ۴۰۳۳
جدول سودوکو شماره ۴۰۳۴
جدول سودوکو شماره ۴۰۳۵

جدول ویژه
جدول عادی
جواب‌های